

شرح

بروجردی در دیدار سفير پيوټک باټک:

ايران و کره شمالي در جبهه واحد عليه آمريکا ايستادگی می کنند

● **تسنیم:** رئیس کمیسیون امنیت‌ملی و سیاست‌خارجی مجلس گفت: ایران و کره‌شمالي در جبهه واحدی علیه دخالت‌های آمریکا ایستادگی می‌کنند.
علاءالدین بروجردی، رئیس کمیسیون امنیت‌ملی و سیاست‌خارجی مجلس شورای اسلامی، در دیدار با «کانگ سام هیون»، سفير کره‌شمالي در تهران، با اشاره به روابط خوب دو کشور، گفت: «گسترش مناسبات و همکاری‌های ایران و کره‌شمالي در عرصه‌های مختلف و مورد علاقه به‌ویژه در عرصه پارلمانی، به نفع دو ملت است که باید به آن توجه و اهتمام جدی داشت».
او افزود: «گروه دوستی پارلمانی ایران و کره‌شمالي با توجه به علاقه‌مندی دو کشور، از توسعه مناسبات دوستانه بین دو کشور حمایت می‌کند».
رئیس گروه دوستی پارلمانی ایران و کره‌شمالي، تصریح کرد: «سفر متقابل مقامات دو کشور و مذاکره و گفت‌وگو درباره مسائل دوجانبه، در برداشتن گام‌های جدید برای تقویت روابط بین دو کشور از اهمیت و تاثیر فراوانی برخوردار است».
بروجردی گفت: «ایران و کره‌شمالي در جبهه واحدی علیه دخالت‌ها و زورگویی‌های آمریکا و متحدانش به سر می‌برند و در مقابل انواع فشارها و تحریم‌ها که از سوی غرب بر دو کشور تحمیل شده است، مقاومت و ایستادگی می‌کنند».
بروجردی در پایان این دیدار نسبت به تحکیم و تقویت ارتباطات دو کشور اظهار امیدواری کرد.
همچنین «کانگ سام هیون»، سفير کره‌شمالي در تهران، نیز در این دیدار با اشاره به علاقه‌مندی کشورش به توسعه مناسبات با ایران در عرصه‌های مختلف، گفت: «کره‌شمالي و ایران از توانمندی‌های فراوانی برخوردارند که باید از آنها در راستای تقویت و توسعه روابط استفاده کنند».
او افزود: «توسعه مناسبات با ایران در عرصه‌های سیاسي، اقتصادی و دفاعی مرکز توجه و اهتمام ویژه کره‌شمالي قرار دارد».
سفير کره‌شمالي در تهران تاکید کرد: «آمریکا منشأ بی‌ثباتی و ناامنی در مناطق مختلف جهان است و کره‌شمالي از مواضع ایران در حدیث با زورگویی و مداخلات امپریالیستی آمریکا حمایت می‌کند».
«کانگ سام هیون» گسترش بیش‌ازپیش روابط و همکاری‌های دو کشور را خواستار شد.

جانشین فرمانده سپاه:

نمی‌توانیم برای دفاع از انقلاب از کلیشه‌ها تبعیت کنیم

● **سپاه نئوز:** سردار حسین سلامی، جانشین فرمانده کل سپاه، با بیان اینکه اندیشه‌ورزی در سپاه یک اصل است، گفت: «وقتی نیازهای موجود را با قدرت تفکر پیوند می‌زنیم، می‌توانیم مشکلات را حل کنیم. ما نمی‌توانیم برای دفاع از انقلاب از کلیشه‌ها و قواعد یکسان تبعیت کنیم».
او گفت: «سپاه برای مقابله با دشمنانی که امکانات به‌روز دارند، باید از امکانات کافی و دانش نوین برخوردار باشد و نمی‌تواند از روش‌های کلیشه‌ای گذشته استفاده کند».
او با بیان اینکه اندیشه‌ورزی در سپاه یک اصل است، افزود: «ما از یک تفکر سیستماتیک برای مقابله با دشمنان استفاده می‌کنیم. به‌طور مثال، در دوران دفاع مقدس ما عملیات‌هایی انجام دادیم که در تاکتیک، تکنیک و گستره جغرافیایی، نمونه نداشت».
سردار سلامی با تاکید بر اینکه دانش دفاع از استقلال کشور را دشمنان به ما نمی‌دهند، گفت: «ما باید خود دراین‌زمینه اقدام کنیم و سپاه مجبور است این دانش را به دست آورد».
او افزود: «چریان تفکر در سپاه به صورت رآسی نیست و در یک فضای برداری رخ می‌دهد و همه مجموعه‌های سپاه دراین‌زمینه گام برمی‌دارند».
سردار سلامی با بیان اینکه وقتی نیازهای موجود را با قدرت تفکر پیوند می‌زنیم، می‌توانیم مشکلات را حل کنیم گفت: «ما نمی‌توانیم برای دفاع از انقلاب از کلیشه‌ها و قواعد یکسان تبعیت کنیم».

رئیس سازمان بسیج:

بیشتر شهدای آتش‌نشان حادثه پلاسکو عضو بسیج بودند

● **فارس:** سردار غلامحسین غیب‌پور، رئیس سازمان بسیج مستضعفین، در مراسم تشییع شهدای آتش‌نشان با اشاره به جانفشانی‌های بسیجیان در دفاع مقدس، گفت: «جانفشانی‌های آتش‌نشانان در مواجهه با حادثه غم‌انگیز ساختمان پلاسکو یادآور همان رشادت‌هاست و ملت ایران قدردان فرزندان دلیر خود است».
او با اشاره به اینکه اکثر شهدای آتش‌نشان در این حادثه از اعضای بسیج بودند، گفت: «این فرهنگ و تفکر بسیجی است که همواره خود را مدافع جان و مال مردم می‌داند که در صحنه‌های مختلف شاهد آن هستیم. در حادثه اخیر یکی از جلوه‌های آن را آتش‌نشانان شجاع، با تشار جان خود به نمایش گذاشتند».
جانشین فرمانده کل سپاه در امور بسیج، با اشاره به اینکه دستگاه‌های مختلف اداراتانی از شروع حادثه در محل حاضر شده و تمام تلاش خود را کردند، گفت: هماهنگی دستگاه‌های مختلف اعم از آتش‌نشانی، شهرداری، اورژانس و سایر نهادهایی که وسایل امدادرسانی و آواربرداری را در اختیار داشتند، در این حادثه چشمگیر بود و زحمات شبانه‌روزی آنها سزاوار قدردانی است.



وزیر امور خارجه ایران با سفير آمريکا در تهران دیدار می‌کند.

آقای مرعشی پرسیده بود بالاخره مشهد می‌روید که دکتر گفته بود بله، این معنی می‌دهد و مأموریت دولت است و باید بروم کاری را انجام دهم که از آنجا می‌توانم پیاده هم که شده به زیارت بروم. به‌رحال این تنها حالتی بود که آقای دکتر پذیرفت به مشهد برود و می‌گفت من بعد از سال‌ها زیارت امام رضا رفتم. یکی این طور وسواس به خرج می‌داد و برخی دیگر... حتی در مورد سفر خارجی وقتی به او فهرست افراد همراه را می‌دادند، خود آقای دکتر یکی‌یکی چک می‌کرد و اگر مثلاً ۱۲ نفر بودند ممکن بود آنها را برساند به پنج نفر. هرگز هم برای سفرهای داخلی از هواپیمای خصوصی استفاده نکرد. همیشه مانند بقیه مردم می‌گفت می‌داد و برخی دیگر... حتی در مورد سفر خارجی سوار شوند. چه زمانی که معاون‌اول بود و چه زمانی که مناصب دیگری داشت، ما نه در سفرهای داخلی و نه در سفرهای خارجی، هرگز به صورت خانوادگی همراه او نمی‌رفتیم. یک مسافرت که همان ابتدا که به ایران آمده بودیم انجام شد که با ماشین خودم رفتم به دیدن دل، سه خانواده که فامیل ما بودند و با ماشین هم برگشتم و من راننده بودم. دیگر هیچ‌جا با آقای دکتر نرفتم، سفر خارجی هم که هرگز.

● **علائق شخصی دکتر حبیبی چه بود؟**

قرآن، کتاب و موسیقی بود.

● **چه کتاب‌هایی؟**

همه نوع کتابی را هر جا می‌دید، ورق می‌زد. همین‌طور در فرانسه که بودیم امکانات مادی محدودی داشتیم. به‌دراحتی از ایران نمی‌توانستند برای دکتر پول بفرستند. خود ایشان یک‌سری کتاب ترجمه می‌کرد و براساس ترجمه‌هایش پول به او می‌دادند. ولی هر چه چو بود، اگر در پاریس بودیم به کتاب‌فروشی‌های کنار رود سن که کتاب‌های دست‌دوم می‌فروشد، می‌رفت و بخش عمده‌ای از کتاب‌های فرانسه ما متعلق به آنجاست. یعنی ما یک کتابخانه داریم که حاوی کتاب‌های دست‌دوم دست‌فروش‌های کنار رودخانه سن است. پول نداشت اما دو یا سه یا پنج فرانک می‌داد و یک کتاب می‌خريد. موسیقی هم به‌طور اخص نبود، بلکه کنار خانواده می‌نشست و گوش می‌کرد. خیلی از موزیک‌های کلاسیک را دوست داشت و گوش می‌کرد.

● **غیر از موسیقی و کتاب**

علاقه شخصی دیگری نداشت؟
قرآن را خیلی دوست داشت و صوت‌های بسیاری از قاری‌ها می‌شناخت. چاپ‌های مختلف قرآن‌ها را می‌شناخت که با خط چه کسی نوشته شده است و این موارد را تعقیب می‌کرد که خود قرآن چاپ

کجاست. تعداد زیادی قرآن نیز داشت و مجموعه قرآنش موجود است.

● **در عالم سیاست به چه کسی بیشتر نزدیک بود؟**

آقای هاشمی را خیلی دوست داشت اما امام را یک جور خاص‌تری می‌دید. یعنی اگر می‌خواست با احترام از کسی صحبت کند و کسی می‌خواست برای او یک الگو باشد خود امام بود ولی رفاقتی، آقای هاشمی را دوست داشت.

● **با بغیر از آقای هاشمی با شخص دیگری در عالم سیاست رفیق نبود؟**

نه خیلی، به‌هرحال، با اشخاص دیگری رفاقت‌های غیرسیاسی هم داشت. آقای دکتر عضو هیچ گروهی نبود درواقع با همه بود و با همه همکاری می‌کرد اما عضو رسمی نبود.

● **آ ما گفته می‌شود دکتر حبیبی عضو نهضت آزادی خارج از کشور بوده است.**

خیر ایشان عضو نهضت آزادی نبودند (تا آنجا که من مطلع هستم).

● **با به‌رحال، نامزد نهضت آزادی در انتخابات ریاست‌جمهوری دوره اول بود.**

بله اما گروه‌های دیگر مثل حزب جمهوری و

سیاست



وزیر امور خارجه ایران با سفير آمريکا در تهران دیدار می‌کند.

مسافر پرواز ۵۷

حوزه علمیه قم هم ایشان را کاندیدا کرده بودند.
● **رابطه دکتر حبیبی با دوستانی که خارج کشور بودند مانند قطب‌زاده، مرحوم دکتر صادق طباطبایی، دکتر ابراهیم یزدی و بنی‌صدر چطور بود و با کدام‌یک بیشتر صمیمی بود؟**
زمانی که خارج از کشور بودند با افرادی که در فرانسه بودند ارتباط داشتند که از جمله آنها قطب‌زاده و بنی‌صدر بودند و با صادق طباطبایی کمتر، زیرا آقای طباطبایی آلمان بود. بعد از بازگشت به ایران وضعیت تغییر کرد.

● **دوست سابق قطب‌زاده بود، برای ایشان وساطت نکرد؟**

آن موقع من ایران نبودم و مکه بودم وقتی این را شنیدم و حال‌وهوای دکتر را نمی‌دانم چگونه بود.

● **بعد از این جریانات با دوستان سابق خود مانند دکتر یزدی ارتباط داشت؟**

خیلی کم، ولی آنها، رفاقت و هرچه که داشتند در پاریس ماند. وقتی به ایران آمدن این‌قدر درگیر کارهای سیاست شدند که همه از هم جدا شدند. اوایل انقلاب، دکتر به مهندس سحابی سر می‌زد که با ماشین خودم رفتم به دیدن دل، سه خانواده که فامیل ما بودند و با ماشین هم برگشتم و من راننده بودم. دیگر هیچ‌جا با آقای دکتر نرفتم، سفر خارجی هم که هرگز.

● **بعد از دولت موقت، رابط‌ه‌اش با مهندس بازرگان چطور بود؟**

اینکه فکر می‌کنید اینها همه با هم خیلی صمیمی بودند، این‌طور نبوده. مثلاً مهندس بازرگان سن‌وسالی داشت که دکتر به احترام آن سن‌وسال در جمع‌های مختلف به او احترام می‌گذاشت و در جلسات آنها شرکت می‌کرد. اما اینکه به دیدنشان برود، خیر. ممکن است بابت کارهای دولتی به دیدن ایشان می‌رفتند، ولی به‌طور شخصی به نظرم خیلی بعید است، خیر، دیدن هیچ کسی نمی‌رفت.

● **گفتید دکترحبیبی با تندروی مخالف بود، پس چرا علیه تندروی‌ها موضع‌گیری نمی‌کرد؟**

دکتر اهل موضع‌گیری نبود و روح لطیفی داشت، شاعر بود. می‌گویند اقتضای انقلاب چیزهایی هست که خوشش بیاید یا نه، این اتفاقات می‌افتد. اصلاً آقای هاشمی ایشان را انتخاب کرده بود به‌عنوان رابط بین همه وزارتخانه‌ها و افراد و رایزنی‌ها را برای نزدیک‌کردن آدم‌ها انجام می‌داد. دو نفر از وزیران

چند وقت پیش دیدم؛ از وزیران دولت‌های قبل که الان یکی از آنها هنوز وزیر است. خاطره‌ای تعریف می‌کرد و می‌گفت من با وزیر دیگری سر یک زمین دعوا داشتمیم و هر کدام از وزارتخانه‌ها خود را مالک آن می‌دانست. بالاخره موضوع به آقای هاشمی رسید و آقای هاشمی آقای دکتر را حکم داد و یک دفعه دیدیم چهار ساعت گذشته و نتیجه‌ای حاصل نشده و دکتر حتی من جلسه دارم فردا همین ساعت بیایید و بعد هم بلند شد رفت ما ماندیم چه کنیم. جلسه بعد باز همین‌طور گذشت و ادامه به جلسه دیگر موکول شد و روز سوم شد و دیدیم آقای دکتر رها نمی‌کند وقتی آقای دکتر گفت من جلسه دارم می‌روم فردا دوباره بیایید، من با آن آقای وزیر نشستم گفتن این‌طور نمی‌شود یا بدوای با هم به یک نتیجه برسیم. خلاصه خودمان توافق کردیم و تمام شد. از دفتر آقای دکتر تماس گرفتند که فلان ساعت اتاق من باشند؛ گفتیم به ایشان بگویید که ما مسئله را حل کردیم.

داد تا صحبت‌هایش را کرد و یک وقت به من داد و من هم صحبت‌هایم را کردم و بعد دوباره وقت جواب داد و یک دفعه دیدیم چهار ساعت گذشته و نتیجه‌ای حاصل نشده و دکتر حتی من جلسه دارم فردا همین ساعت بیایید و بعد هم بلند شد رفت ما ماندیم چه کنیم. جلسه بعد باز همین‌طور گذشت و ادامه به جلسه دیگر موکول شد و روز سوم شد و دیدیم آقای دکتر رها نمی‌کند وقتی آقای دکتر گفت من جلسه دارم می‌روم فردا دوباره بیایید، من با آن آقای وزیر نشستم گفتن این‌طور نمی‌شود یا بدوای با هم به یک نتیجه برسیم. خلاصه خودمان توافق کردیم و تمام شد. از دفتر آقای دکتر تماس گرفتند که فلان ساعت اتاق من باشند؛ گفتیم به ایشان بگویید که ما مسئله را حل کردیم.

● **نظر دکتر حبیبی درباره موضوعاتی مثل حجاب یا موسیقی چه بود؟**

اولا آقای دکتر حبیبی موسیقی را خوب می‌شناخت و به خیلی از کنسرت‌ها می‌رفت و کنسرتی نبود که او را دعوت کنند و نرود، جزء محالات بود. با آقای چکنواریان دوست بود و هر وقت به ایران می‌آمد، حتماً او را می‌دید. هم موسیقی کلاسیک را می‌شناخت و هم موسیقی

سیاست

و من هم با حقوق خودم زندگی کردم.

● **آقای دکتر خواهر و برادر دارد؟**

بله اما در سیاست نیستند. یکی از آنها دانشگاهی بود که بازنشسته شده، یکی هم کارمند وزارت نفت بود که او هم بازنشسته شده و یکی‌شان هم فوت کرده که ایشان هم کارمند وزارت نفت بود. یک خواهر هم دارند.

● **چطور شد که خود شما وارد کارهای دولتی شدید؟**

من هرگز وارد هیچ‌گونه فعالیت سیاسی نشدم. روزهای اول که آمدم به وزارت علوم رفتم و بعد از چند ماه به وزارت خارجه رفتم و آنجا رئیس اداره مراجعات عمومی بودم. هم‌زمان به مجروحان اداره انقلاب رسیدگی می‌کردیم. شرکت‌های دارویی در آن زمان بسته شده بودند و مردم دارو می‌خواستند و ما هم از طریق وزارت خارجه داروهای خاص را وارد می‌کردیم. بعد وزارت خارجه به این کار اعتراض کرد و ناچار شدم محل دیگری را پیدا کنم. بنابراین داوطلب جمعیت هلال‌احمر شدم و به صورت داوطلبانه مدتی می‌رفتم آنجا و بقیه ساعات هم در وزارت خارجه بودم. تا اینکه جنگ شروع شد و بیشتر به هلال‌احمر می‌رفتم. بنابراین در هلال‌احمر ماندم و تعدادی مؤسسه راه‌اندازی کردم که بتوانند کمک‌رسان به منطقه جنگی باشند. این کمک‌ها شامل مواد غذایی و دارو بود. البته این جریان خیلی طولانی و مفصل است. در واقع هشت سال را در خدمت جنگ بودم. حتی به اعتبار ارتباطی که با شهید چمران داشتمیم رفت‌وآمد در منطقه جنگی و دیدن شهید چمران اتفاق می‌افتاد. با خانم ایشان هم مرارده داشتم. در دوره آقای هاشمی بعد از اتمام جنگ، داستان این خبردها را برای ایشان گفتم می‌روند. آقای دکتر راجع به مسائلی که به دولت ارتباط داشت، حرف نمی‌زد. درهرحال شخص تنّدی نبود در هیچ زمینه‌ای و از هر نوع افراطی متفرج بود و بدش می‌آمد. حجاب را می‌گفت رعایت کنید ولی نوعش را تعیین نمی‌کرد.

● **این توداری دکتر ناشی از چه بود؟ بعد از انقلاب این‌طور شد یا کلاً این‌طور بودند؟**

ایشان بسیار شخص باحیایی بود و هرگز در جمعی شروع به حرف‌زدن نمی‌کرد. اگر سؤالی از او می‌کردند کوتاه جواب می‌داد. دلشلیش هم این بود که می‌گفت طولانی‌شدن این صحبت‌ها آخر به غیبت و بدگویی یا خوب‌گفتن می‌کشد. با آن فرد خوب هست که صحبت‌کردن ندارد و بدگویی به ترجیح این است که بد کسی را در جمع نگویید. ولی در کل فرد ساکتی بود و در خانه هم همین‌طور بود. یک بار من گفتم فلان جا فلان سؤال را از تو پرسیدند، چرا درست جواب ندادی؛ گفت درست جواب دادن نداشت، چون بعضش می‌خواست می‌گذاشت و در من باید ادامه می‌دادم در نتیجه همان جا قطع کردم که دیگر ادامه ندهد چون ادامه‌اش به این کشیده می‌شد که بله؛ من می‌دانم این آدم چندر آدم بی‌بطی است.

● **می‌گویند پیش‌نویس قانون اساسی اول را دکتر حبیبی نوشته، درست است؟**

بله دکتر حبیبی آن را در پاریس نوشته بود. از ۱۰ کتاب یا بیشتر استفاده کرده بود و به‌علاوه مشاوران دیگری هم بودند که همه خوانده و کم و زیاد کرده بودند. مهتر از همه اینکه امام متن را می‌خواند، برخی چیزها را به آن اضافه یا برخی چیزها را حذف می‌کرد. متنی که چند حقوق‌دان نوشتند و براساس حقوق

کشورهای مختلف تهیه شده که از ۱۰ کتاب یا بیشتر استفاده کرده بود و به‌علاوه مشاوران دیگری هم بودند که همه خوانده و کم و زیاد کرده بودند. مهتر از همه اینکه امام متن را می‌خواند، برخی چیزها را به آن اضافه یا برخی چیزها را حذف می‌کرد. متنی که چند حقوق‌دان نوشتند و براساس حقوق کشورهای مختلف تهیه شده که از ۱۰ کتاب یا بیشتر استفاده کرده بود و به‌علاوه مشاوران دیگری هم بودند که همه خوانده و کم و زیاد کرده بودند. مهتر از همه اینکه امام متن را می‌خواند، برخی چیزها را به آن اضافه یا برخی چیزها را حذف می‌کرد. متنی که چند حقوق‌دان نوشتند و براساس حقوق

کشورهای مختلف تهیه شده که از ۱۰ کتاب یا بیشتر استفاده کرده بود و به‌علاوه مشاوران دیگری هم بودند که همه خوانده و کم و زیاد کرده بودند. مهتر از همه اینکه امام متن را می‌خواند، برخی چیزها را به آن اضافه یا برخی چیزها را حذف می‌کرد. متنی که چند حقوق‌دان نوشتند و براساس حقوق کشورهای مختلف تهیه شده که از ۱۰ کتاب یا بیشتر استفاده کرده بود و به‌علاوه مشاوران دیگری هم بودند که همه خوانده و کم و زیاد کرده بودند. مهتر از همه اینکه امام متن را می‌خواند، برخی چیزها را به آن اضافه یا برخی چیزها را حذف می‌کرد. متنی که چند حقوق‌دان نوشتند و براساس حقوق

کشورهای مختلف تهیه شده که از ۱۰ کتاب یا بیشتر استفاده کرده بود و به‌علاوه مشاوران دیگری هم بودند که همه خوانده و کم و زیاد کرده بودند. مهتر از همه اینکه امام متن را می‌خواند، برخی چیزها را به آن اضافه یا برخی چیزها را حذف می‌کرد. متنی که چند حقوق‌دان نوشتند و براساس حقوق کشورهای مختلف تهیه شده که از ۱۰ کتاب یا بیشتر استفاده کرده بود و به‌علاوه مشاوران دیگری هم بودند که همه خوانده و کم و زیاد کرده بودند. مهتر از همه اینکه امام متن را می‌خواند، برخی چیزها را به آن اضافه یا برخی چیزها را حذف می‌کرد. متنی که چند حقوق‌دان نوشتند و براساس حقوق

سروش

معاون پارلمانی رئیس‌جمهوری:

ارسال پاسخ نامه نمایندگان درباره فریدون به رئیس مجلس

● **ایشنا:** حسینعلی امیری، معاون امور مجلس رئیس‌جمهور، با ابراز تأسف از «شبه‌افکنی و ادعاهای نادرست برخی سایت‌ها مبنی بر بی‌محلی ۲۵روزه روحانی به نمایندگان»، گفت: «جواب نامه تعدادی از نمایندگان محترم مجلس به حجت‌الاسلام روحانی درباره حسین فریدون، برای رئیس مجلس و هیئت‌رئیس محترم ارسال شده است». او در واکنش به ادعاهای نادرست برخی از سایت‌ها، دراین‌باره گفت: «پاسخ نامه نمایندگان محترم در تاریخ ۱۳۹۵/۱۱/۲ برای رئیس محترم مجلس شورای اسلامی ارسال و از ایشان درخواست شد «دستور فرایند براساس ماده ۷۸ قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، موضوع در هیئت‌رئیس محترم مجلس شورای اسلامی مطرح ت به نحو مقتضی در اولین جلسه علنی قرائت و نیز جهت رسیدگی در دستور هیئت موضوع ماده یک قانون نظارت بر رفتار نمایندگان مصوب ۱۳۹۱/۱/۱۵ قرار گیرد».

معاون پارلمانی رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه «تذکرات نمایندگان محترم مجلس به مسئولان اجرایی بی‌پاسخ نمی‌ماند»، افزود: «در نامه ارسالی برای رئیس محترم مجلس شورای اسلامی، با اشاره به تذکیبیه آقای فریدون، مجدداً تصریح شد تذکر مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۵ تعدادی از نمایندگان محترم، موضوع نسبت‌های ناروا است». امیری افزود: «پس از قرائت تذکر نمایندگان در جلسه علنی مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۵ مجلس شورای اسلامی، آقای فریدون، دستیار ویژه رئیس‌جمهور در امور اجرایی، نیز در تاریخ ۱۳۹۵/۱۰/۲۸ با ارسال نامه‌ای برای آقای دکتر لاریجانی، رئیس محترم مجلس شورای اسلامی و این معاونت، همه موارد مندرج در نامه نمایندگان محترم را تذکب و تأکید کرد همه اتهامات انشائی از مضایق افترا و هتک حرمت موضوع ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی به شمار آمد و از دایره شمول اصل ۸۶ قانون اساسی و ماده ۷۷ قانون آیین‌نامه داخلی مجلس، مبنی بر مصونیت نمایندگان، خارج بوده و با اصول ۲۲ و ۳۷ مبنی بر حاکمیت اصل برائت و مصون‌بودن حیثیت اشخاص از تعرض، عام‌المنفعه‌ای به نام بنیاد امیرکبیر قرار دهد؛ اساسنامه‌ای هم برای آن نوشت. قرار شد که هم کتاب‌های پدر را و هم اجناسی که خود در دوره دانشجویی و بعد از آن تهیه کرده بود ازجمله دوره‌ای که معاون اول رئیس‌جمهور بود یا وزیر بود در آنجا بگذارد. یک بعد آن هم این بود که فرهنگ مربوط به صنایع دستی و زمینه‌های دیگر همچنان ادامه پیدا کند و زنده بماند؛ برای مثال با گذاشتن کارگاه یا کلاس‌های متفرقه و دعوت از استادان و دانشجویان و انتشار کتاب و کنفرانس و از این قبیل امور که البته هنوز موفق به انجام این کار نشدیم.

● **دکتر درس طلبگی هم می‌خوانده؟**
بله خوانده بود، ولی سطحش را نمی‌دانم.
● **علت فوت دکتر حبیبی چه بود؟**
ایشان قند داشت که البته مقداری کنترل می‌شد. یک روز به او گفته بودند روزه نمی‌توانی بگیري و این مطلب ایشان را به‌شدت ناراحت کرد. روز شهادت حضرت علی(ع) در ماه رمضان ما برای شرکت در مراسم شب قدر بیرون بودیم. وقتی آمدیم دیدیم چیزی نیامده بخوردم. متوجه شدم مشکلی پیش آمده به دفترشان سر زدم، دیدم روی زمین افتاده و از هوش رفته که احتمال دارد به خاطر افت قند بوده باشد. به ایشان که رسیدگی کردیم مشخص شد عفونت خونی پیدا شده و از همان‌جا شروع شد و چهارسال‌ونیم دچار بیماری بودند. اول در حالتی مانند کما رفتند و با تلاش گروه پزشکان که در کما لاریجانی نبود آوردند و ازجمله با حضور دکتر فاضل، از کما بیرون آمد. بعد از آن مشکلات مختلفی داشتند ازجمله اینکه کلیه ایشان از کار افتاد؛ البته در مجموع دوباره به امور بنیاد ایران‌شناسی رسیدگی می‌کردند و می‌توان گفت بیماری جدی‌ای که ایشان را زمین‌گیر کند نداشتند. در نهایت در اواخر عمرشان -شاید مدت یک هفته- ضعف بیشتری پیدا کردند و تقریباً بستری بودند و نهایتاً دچار ایست قلبی شدند. بعد از حوادث سال ۸۸ افسرده‌تر شده بودند، اما ایشان هیچ‌وقت بیان نمی‌کرد و یکی از خصوصیات ایشان این بود که هیچ‌کس بی‌پایان او به خمینی کبیر بود و اکنون که مرید در وصال مرادش است، حضور صمیمانه بیت امام در کنارشان، تسلی‌بخش درد و رنج تنهایی و هجران است. برگزار می‌مراسم وداع با پیکر آیت‌الله هاشمی در حسینیه چمران و خاک‌سپاری پیکرش در مرقده امام خمینی، شاید آخرین بدهی‌ای بود که پیر جماران به این کشور و شاگرد مجاهد و خستگی‌ناپذیرش داد تا پس از شصت سال مجاهدت در نهضت، برای همیشه در قلب مردم ایران زنده بمانند. از درگاه الهی، بیت شریف امام خمینی را مسملت داریم».

قدردانی خانواده آیت‌الله هاشمی از بیت امام(ره)

● **اینها:** در آستانه فرارسیدن دهه فجر انقلاب اسلامی و سالروز بازگشت امام خمینی به ایران در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷، خانواده آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی با انتشار بیانیه‌ای از همراهی بیت امام خمینی قدس‌سره در مراسم وداع، تشییع، تدفین و بزرگداشت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی قدردانی کردند. در این متن که خطاب به آیت‌الله سیدخمنی، ختمی صادر شد، آمده است: «سپه‌تعالی، حضور محترم آیت‌الله سیدحسن خمینی؛ بدین‌وسیله مراتب قدردانی خانواده آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی از جناب‌عالی، برادران بزرگوارتان و سایر شخصیت‌های منسوب به بیت امام خمینی (قدس الله نفسه الزکیه) به دلیل همراهی صمیمانه، همدردی و محبت‌های تسلی‌بخش و بی‌دریغتان در لحظات سخت درگذشت، وداع، تشییع، تدفین و بزرگداشت پدرمان را بپذیرید. خود بهتر می‌دانید که هاشمی شما را چون فرزند خود دوست می‌داشت و یادگاران مرادش خمینی کبیر را گرامی می‌داشت. او که نسبت به جفاها به خود صبر و سکوت پیشه کرد، سال گذشته در سالروز بازگشت امام خمینی به وطن، از بی‌مهری با جناب‌عالی دردمندانه گلایه کرد و ضرورت تکریم بیت امام و حفظ حرمت یادگاران ایشان را به رساترین زبان یادآور شد. دffen پیکر آیت‌الله هاشمی در جوار امامش، تسلی‌بخش ما و نشان‌دهنده نزدیکی و ارادت بی‌پایان او به خمینی کبیر بود و اکنون که مرید در وصال مرادش است، حضور صمیمانه بیت امام در کنارشان، تسلی‌بخش درد و رنج تنهایی و هجران است. برگزار می‌مراسم وداع با پیکر آیت‌الله هاشمی در حسینیه چمران و خاک‌سپاری پیکرش در مرقده امام خمینی، شاید آخرین بدهی‌ای بود که پیر جماران به این کشور و شاگرد مجاهد و خستگی‌ناپذیرش داد تا پس از شصت سال مجاهدت در نهضت، برای همیشه در قلب مردم ایران زنده بمانند. از درگاه الهی، بیت شریف امام خمینی را مسملت داریم».